



رویکرد همگانی به حمایت اجتماعی

۹۳

مؤسسه راهبردهای بازنشستگی صبا

۱۳۹۹

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

رویکرد همگانی به حمایت اجتماعی

تهیه کننده:

فرهاد بزرافکن

گروه مطالعاتی رفاه و تأمین اجتماعی

موسسه راهبردهای بازنشستگی صبا

«نهاد پژوهشی صندوق بازنشستگی کشوری»

۱۳۹۹



مؤسسه راهبردهای
بازنشستگی صبا

رویکرد همگانی به حمایت اجتماعی

تهیه کننده: فرهاد بزرافکن

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

شماره مسلسل: ۹۳

کد گزارش: ۹۹۲۱۴۰۰۵۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳

نشانی مؤسسه: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، کوچه محوی، پلاک ۴،
واحد ۱۰۱ کدپستی: ۱۹۳۴۶۱۳۷۸۱ تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۰۳۴۶۵ دورنگار: ۰۲۱-۲۲۷۰۲۹۰۳
تارنما: www.saba-psi.ir پست الکترونیک: info@saba-psi.ir

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای مؤسسه راهبردهای بازنشستگی صبا محفوظ است.

فهرست

مقدمه	۱
۱. پیشینه برنامه‌های حمایت اجتماعی	۵
۲. سیر تحول رویکرد بانک جهانی به حمایت اجتماعی	۷
۳. همکاری سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی	۱۰
۴. اهمیت همکاری سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی در خصوص حمایت اجتماعی همگانی	۱۲
۵. بیانیه سازمان بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار در خصوص حمایت اجتماعی همگانی	۱۵
مأموریت مشترک برای حمایت اجتماعی همگانی	۱۵
چرایی پشتیبانی از حمایت اجتماعی همگانی	۱۶
وضعیت کنونی پوشش حمایت اجتماعی همگانی	۱۷
راه‌های دسترسی به حمایت اجتماعی همگانی	۱۷
تأمین مالی حمایت اجتماعی	۱۸
چشم‌انداز: برنامه‌های حمایت اجتماعی همگانی که همه را تحت پوشش قرار می‌دهند	۱۹
هدف: افزایش تعداد کشورهایی که حمایت اجتماعی همگانی را برمی‌گزینند	۱۹
پوشش حمایت اجتماعی همگانی در دستور کار پس از ۲۰۱۵	۲۰
اقدامات مبتنی بر زمان معین	۲۱
منابع	۲۳

مقدمه

در بخش عمده‌ای از قرن بیستم، نوسازی (مدرنیزاسیون)، توسعه را در رشد اقتصادی و شاخص‌های کمی می‌دید و در این فرایند، مدل‌های خطی توسعه اقتصادی ترسیم می‌کرد. این رویکرد، رشد اقتصادی و انباشت سرمایه را اولویت قرار داده و معتقد است که انباشت سرمایه به تدریج به لایه‌های پایین جامعه نشت کرده و اقشار فقیر و نابرخوردار نیز از مواهب این رشد و انباشت سرمایه بی‌نصیب نخواهند ماند. اما، نتایج معکوس چنین رویکردی با توجه به تجربیات آن در قرن بیستم، بنیان‌هایش را زیر سوال برد و نظام‌های رفاهی شکل گرفته پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و آمریکا، در واقع، سیاست مهم مواجهه با ناکارآمدی همین رویکرد مدرنیزاسیون بود. پیش‌فرض شکل‌گیری نظام‌های رفاه در غرب این بود که رشد اقتصادی تنها یک بُعد از فرایند توسعه بوده و سایر ابعاد آن مانند توسعه اجتماعی به همان اندازه دارای اهمیت و اولویت است. لذا، افزایش ظرفیت‌های افراد و اجتماعات به عنوان یک اصل مهم از توسعه در دستور کار قرار گرفت. با این حال، با روی کار آمدن دولت‌های دست‌راستی در کشورهای انگلوساکسن در دهه ۸۰ مانند تاچر در بریتانیا و ریگان در آمریکا، مجدداً بنیان دولت‌های رفاه در معرض تهدید قرار گرفت؛ دولت‌هایی که رسالت خود را فراهم‌سازی ساز و کار حمایت اجتماعی تعیین کرده بودند.

موازی با این تحولات، دو اردوگاه رویکردی یا نگرشی شکل گرفته بود که برخی سازمان‌های بین‌المللی آن‌ها را نمایندگی می‌کردند. سازمان بین‌المللی کار یکی از

سازمان‌هایی است که از آغاز شکل‌گیری (سال ۱۹۱۹ میلادی) رسالت خود را پشتیبانی از انواع حمایت‌های اجتماعی به ویژه در زمینه کار تعریف کرده است. از سوی دیگر، سازمان‌هایی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مروج و حامی استراتژی‌ها و سیاست‌هایی بوده‌اند که «سیاست‌های تعدیل ساختاری» نامیده شدند؛ سیاست‌هایی که نسخه‌های شفاف‌بخش نظام‌های اقتصادی شکننده تلقی می‌شدند تا بتوانند با تکیه بر رشد اقتصادی در قالب آزادسازی نظام اقتصادی از ورطه نابودی نجات پیدا کنند. آنچه که در این استراتژی‌ها بسیار کم‌اهمیت بود یا دست‌کم ناچیز پنداشته می‌شد، پیامدهای اجتماعی و سیاسی و نیز اقتصادی است که منجر به بحران‌های اساسی در این جوامع شده بود. این بحران‌ها رفته‌رفته موجب شده‌اند این سازمان‌های بین‌المللی در استراتژی‌ها و سیاست‌های اقتصادی تجدیدنظر کرده و گنجاندن برنامه‌های حمایت اجتماعی را در این سیاست‌ها ولو به صورت محدود و حداقلی در دستور کار خود قرار دادند.

با ورود به قرن بیست و یکم، اهداف توسعه هزاره (MDGs) در سال ۲۰۰۰ از سوی سازمان ملل متحد آغازی برای «همگانی‌گرایی» در عرصه‌های متعدد بود؛ ابتدا آموزش پایه و سپس بهداشت و سلامت. این سند، راهبردها و سیاست‌ها را از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ تعیین کرده بود. پس از آن، در سال ۲۰۱۵ اهداف توسعه پایدار (SDGs) از سوی سازمان ملل راهنمای دستور کار توسعه قرار گرفت که حمایت اجتماعی همگانی اولویت اولیه آن قرار گرفت. تحت تأثیر این سند، بانک جهانی برای اولین بار گزارشی در زمینه حمایت اجتماعی در سال ۲۰۰۱ تحت عنوان «استراتژی بخش حمایت اجتماعی» انتشار داد که به طور مستقیم به چنین حوزه‌ای پرداخت. سازمان بین‌المللی کار نیز، در راستای رویکرد همیشگی خود، توصیه‌نامه شماره ۲۰۲ خود را در سال ۲۰۱۲ در خصوص کف حمایت اجتماعی اعلام کرد که به تأیید ۱۸۵ کشور عضو سازمان ملل رسید. نزدیکی دیدگاه این دو سازمان در قرن جدید حکایت از چرخش‌های رویکردی به سیاست‌ها و استراتژی‌های حمایت اجتماعی و رفاهی است. اوج این نزدیکی رویکردی در بیانیه مشترکی است که در سال ۲۰۱۶ مبنی بر

اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد به همراه تجربیاتی از کشورها بر این مبنا انتشار یافت. از نظر این دو سازمان، یعنی سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی، «حمایت اجتماعی همگانی ناظر به مجموعه یکپارچه‌ای از سیاست‌های طراحی شده جهت تضمین تأمین درآمد و حمایت از همه افراد در چرخه زندگی با تأکید بر توجه ویژه به افراد فقیر و آسیب‌پذیر است. هر کس که به حمایت اجتماعی نیاز دارد باید قادر باشد به آن دسترسی داشته باشد». اگرچه این دو سازمان، به عنوان سازمان‌هایی که در دوران پساجنگ جهانی دوم دو رویکرد متفاوت به توسعه را نمایندگی می‌کردند، با این حال، متعاقب و متناسب با تحولات پس از فروپاشی کمونیسم، به ویژه با آغاز قرن جدید، عملاً دیدگاه‌های خود را در زمینه حمایت اجتماعی صیقل داده و به نحوی عملگرایانه‌تر با واقعیت‌ها مواجه شده‌اند. از یک سو، بانک جهانی به این نتیجه رسید که فرایند توسعه بدون حمایت‌های اجتماعی همگانی تسهیل نخواهد شد، و از سوی دیگر، سازمان بین‌المللی کار سعی در ارائه مشاوره‌ها و کمک‌های تخصصی و فنی به برنامه‌ها و طرح‌های بانک جهانی در کشورهای مورد نظر دارد.

با این حال، در جامعه دانشگاهی و تا حدی در بین سیاست‌گذاران در ایران، به نظر می‌رسد نزاع رویکردی در خصوص نوع مواجهه با فرایند توسعه و نقش سیاست‌های اجتماعی و حمایتی در پیشبرد آن همچنان داغ و پرمناقشه است. این مناقشه بلافاصله پس از جنگ هشت ساله شروع شده و تا به امروز ادامه دارد. از قضا، هر کدام از این رویکردها برای اثبات ادعای خود و دفاع از موضع خود به رویکردهای قدیمی و شناخته‌شده سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول استناد می‌کنند. به این ترتیب که گروهی، موضع شناخته‌شده و جافتاده سازمان بین‌المللی کار را در این می‌دانند که این نهاد حامی اندیشه‌های جامع‌تر است و نگرش‌های همگانی‌تر به سیاست‌های رفاهی و اجتماعی دارد. از سوی دیگر، گروهی برآنند که بانک جهانی به عنوان نهادی شناخته می‌شود که در فرایند توسعه تقریباً بی‌توجه یا کم‌توجه به وجوه اجتماعی در تعیین استراتژی‌ها و سیاست‌گذاری‌هاست که دارای نتایج نامطلوب و مخربی برای کشورها به ویژه کشورهای با درآمد کم خواهد بود.

از لحاظ تاریخی، چنین روایت‌هایی از رویکردهای این سازمان‌ها نادرست نیست و هرچه به عقب‌تر نگاه شود این تباین شدت بیشتری نیز داشته است. با این حال، از اوایل قرن جدید، چرخش رویکردی از سوی هر دو نهاد به ویژه از سوی بانک جهانی صورت گرفته و اقدامات چندی با همکاری همدیگر انجام داده‌اند که اوج این همگرایی در بیانیه «مأموریت مشترک در حمایت اجتماعی همگانی» متأثر از دستور کار توسعه پایدار سازمان ملل متحد است. به نظر می‌رسد بخشی از این مناقشه که همچنان در ایران داغ و پایان‌ناپذیر است، به طور خاص، منشأ در عدم آگاهی از همگرایی رویکردهای پیشین این دو نهاد بین‌المللی مهم به مباحث سیاست‌گذاری اجتماعی باشد. مروری کلی بر مباحث این حوزه نیز نشان می‌دهد که جای این همگرایی در ساحت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در ایران خالی است و زمان آن رسیده است که نظام تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری، فارغ از مناقشات پیشین، واقعیت‌های جامعه ایران را در فرایند سیاست‌گذاری در پرتو تحولات رویکردی در جهان، مورد ملاحظه قرار دهد.

۱- پیشینه برنامه‌های حمایت اجتماعی

به لحاظ تاریخی، مفهوم حمایت اجتماعی مفهومی مدرن است که منشأ آن به دهه ۱۸۸۰ برمی‌گردد؛ زمانی که بیسمارک در آلمان بیمه سلامت اجتماعی و مستمری کارگران در بخش اشتغال رسمی را معرفی کرد. این طرح توسط حق بیمه‌های کارگران و کارفرمایان تأمین مالی می‌شد. پس از آن، در انگلستان ویلیام بوریچ رویکرد رفاهی طرح کرد که هدف آن پوشش همه شهروندان در برابر ریسک‌های زندگی بود که این طرح از طریق مالیات و حق بیمه‌ها تأمین مالی می‌شد. این دو مدل - یا ترکیبی از هر دو - بعدها الهام‌بخش برنامه‌های حمایت اجتماعی در سراسر جهان شد (سامسون و تایلور، ۲۰۱۵).

پس از جنگ جهانی دوم، حق همه افراد در برخورداری از حمایت اجتماعی در اعلامیه همگانی حقوق بشر ۱۹۴۸ تبلیور یافت. در سال ۱۹۵۲، سازمان بین‌المللی کار کنوانسیون (مقاله‌نامه) ۱۰۲ تأمین اجتماعی را تعریف کرد که دارای استانداردهای حداقلی نه‌گانه بود: مراقبت درمانی، مزایای بیماری، مزایای بیکاری، مزایای سالمندی، مزایای بیکاری ناشی از کار، مزایای خانواده، مزایای مادرانه، مزایای معلولیت و مزایای بازماندگان. از این دوره به بعد تا دهه ۸۰ میلادی است که «عصر طلایی» حمایت اجتماعی در نظام‌های رفاهی در کشورهای با درآمد بالا آغاز شد و حق برخورداری از تأمین اجتماعی به همه شهروندان تعمیم داده شد. با این حال، در کشورهای با درآمد پایین و متوسط، برخی برنامه‌های حمایت اجتماعی آغاز شد که عمدتاً محدود به گروه‌هایی از کارگران در بخش رسمی، دولت و نیروهای نظامی بوده و بخش اعظم شهروندان تحت پوشش قرار نمی‌گرفتند.

این تلاش‌های محدود در کشورهای جوان و تازه شکل گرفته با بحران بدهی این کشورها در دهه ۸۰ همزمان شد که عملاً توسعه و گسترش بالقوه حمایت اجتماعی ناشی از عصر طلایی نظام‌های رفاهی پس از جنگ جهانی دوم دچار اختلال شد. چنین اختلالاتی ناشی از برنامه‌های تعدیل ساختاری از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در راستای احیای

اقتصادهای شکننده این دست از کشورها بود. متعاقب این روند، رویکرد «همگانی‌گرایی» که از سوی سازمان بین‌المللی کار مورد تشویق و ترغیب قرار می‌گرفت، مواجه با مدل دیگری از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول شد: هدف‌گذاری طردشده‌ترین افراد از رهگذر اقدامات معینی که هدف بیرون کشیدن آن‌ها از منجلاب فقر بود (کاندوایر،^۱ ۲۰۰۵). تصور بر این بود که در شرایط منابع مالی محدود، این مقرون‌به‌صرفه‌ترین شیوه است.

۲- سیر تحول رویکرد بانک جهانی به حمایت اجتماعی

براساس روایت بانک جهانی، اولین بار در گزارشی تحت عنوان «استراتژی بخش حمایت اجتماعی»^۱ در سال ۲۰۰۱ به مفهوم و موضوع حمایت اجتماعی پرداخته شد.^۲ با این حال، در این گزارش، بانک جهانی معتقد بود که سابقه پرداختن این سازمان به موضوع حمایت اجتماعی به دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی برمی‌گردد: دهه ۷۰ بر روی بازارهای کار و دهه ۸۰ از طریق گنجاندن «تور ایمنی» در برنامه‌های تعدیل ساختاری. بحران اقتصادی و بدهی کشورهای فقیر در دهه ۸۰ باعث شد که بانک جهانی گزارش توسعه جهان ۱۹۹۰^۳ را در خصوص فقر منتشر کند که بر اهمیت تورهای ایمنی تأکید داشت. همچنین، مفهوم حمایت اجتماعی با فروپاشی کمونیسم، تداوم بحران‌های اقتصادی و بالا رفتن فزاینده جمعیت سالمند در کشورهای در حال توسعه اهمیت بیشتری پیدا کرد. پس از این اتفاقات، بانک جهانی دست به انتشار اسنادی مانند *جلوگیری از بحران سالمندی*^۴ (برای بازنگری نظام مستمری) و *گزارش توسعه جهان ۱۹۹۵*^۵ زد که، بنا بر روایت خود، در آن‌ها نگاهی وسیع‌تر به حمایت اجتماعی اتخاذ کرد.

حوادث دهه ۹۰ میلادی موجب شد برنامه‌های حمایت اجتماعی در رأس کارهای بانک جهانی قرار گیرد. از نگاه بانک جهانی اثر مالی طرح‌های تأمین اجتماعی زگهواره تا گور^۶ در کشورهای دارای نظام کمونیستی ناپایدار بود، و رویکرد بانک جهانی ناظر بر کاهش هزینه‌ها و هدف‌گذاری انتقالات برای جبران اثرات منفی دوران گذار بر آسیب‌پذیرترین افراد بود. در همین راستا، به کمک بانک جهانی، اقدامات بزرگ مقیاسی در زمینه حمایت اجتماعی در

1. Social Protection Sector Strategy, 2001.

۲. البته یک سال قبل از آن مقاله‌ای تحت عنوان «مدیریت ریسک اجتماعی: چارچوب مفهومی برای حمایت اجتماعی و فراتر از آن» به قلم رابرت هولزمن و استین یورگنسن (Robert Holzmann & Steen Jørgensen) از مدیران بخش حمایت اجتماعی بانک جهانی منتشر شد که حاصل پژوهش آن‌ها در ۱۹۹۹ بود.

3. World Development Report 1990

4. Averting the Old Age Crisis

5. World Development Report 1995

6. cradle-to-grave

شرق آسیا، روسیه و برزیل به اجرا گذاشته شد. بحران‌ها و رکورد اقتصادی در کشورهای «معجزه» آسیای شرقی نشان داد که در عین حال که سیاست‌های کلان رشد اقتصادی ضروری هستند، اما برای کاهش فقر پایدار کافی نیستند. براساس این گزارش، برنامه‌های «مدیریت ریسک» در برابر شوک‌ها شامل تورهای ایمنی، نظام‌های حمایت درآمدی از افراد سالمند، و بازارهای کار مناسب در کاهش فقر در بلندمدت و حمایت از دستاوردها اساسی است (World Bank, ۲۰۰۱).

مفهوم کلیدی که بانک جهانی گزارش سال ۲۰۰۱ خود را پیرامون آن سامان بخشید، مدیریت ریسک/اجتماعی^۱ بود. بنا بر این سند، مدیریت ریسک اجتماعی مشتمل بر مداخله‌های عمومی در جهت کمک به افراد، خانوارها و اجتماعات تا بتوانند ریسک را بهتر مدیریت کنند، و از افراد در شرایط بحرانی حمایت شود. افراد، خانوارها و اجتماعات در معرض ریسک‌های چندگانه قرار دارند. برخی از این ریسک‌ها طبیعی (مانند زلزله، سیل و بیماری‌ها) و برخی بشرساخت (مانند بیکاری، تخریب محیط زیست، جنگ) هستند. افراد فقیر نیز دسترسی بسیار کمتری به ابزارهای مدیریت ریسک دارند. از این رو، ضروری است که استراتژی‌های مناسب مدیریت ریسک طراحی شده و چارچوب این استراتژی‌ها تعیین شوند. بانک جهانی در این جا چندین اصل برای هدایت چارچوب جدید معرفی می‌کند: مسائل حمایت اجتماعی باید در زمینه و بافت مدیریت ریسک اجتماعی دیده شوند؛ جنبه‌های متعدد حمایت اجتماعی دیده شوند؛ تعادلی بین استراتژی‌ها برقرار شود؛ تعادلی بین ترتیبات مدیریت ریسک برقرار شود؛ ابزارهای مدیریت ریسک هماهنگ و آماده باشند؛ عرضه و تقاضای ابزارهای مدیریت ریسک هماهنگی داشته باشند؛ همه‌ی ذی‌نفعان در طراحی و اجرای برنامه‌ها درگیر باشند.

همچنین، در زمینه حمایت اجتماعی، در سال ۲۰۱۲، بانک جهانی گزارشی تحت عنوان *تاب‌آوری، عدالت و فرصت: حمایت اجتماعی و استراتژی کار ۲۰۱۲-۲۰۲۲ بانک جهانی*^۲ با

1. social risk management

2. Resilience, Equity and Opportunity: World Bank Social Protection and Labor Strategy 2012-22

همکاری سازمان‌های متعدد بین‌المللی منتشر کرد. سازمان بین‌المللی کار یکی از سازمان‌هایی است که بانک جهانی برای تهیه این گزارش از مشورت‌ها و نکته‌نظرات آن بهره برده است. براساس این سند، «حمایت اجتماعی و نظام‌های کار افراد را در برابر شوک‌ها حفاظت کرده و آن‌ها را برای بهبود معیشت خود مجهز کرده و برای زندگی بهتر برای خود و خانواده‌هایشان فرصت‌هایی خلق می‌کنند». در این اثر، حمایت اجتماعی عمدتاً از رهگذر فرصت‌های شغلی پیگیری شده است که در نهایت منجر به رشد فراگیر و ثبات سیاسی و اجتماعی می‌شود.

۳- همکاری سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی

براساس روایت سازمان بین‌المللی کار، رویکردهای این سازمان و بانک جهانی در مسائل و چالش‌های فقر، طرد اجتماعی، بحران‌های مالی و شغلی در سطح جهان و نابرابری فزاینده مکمل همدیگرند.^۱ از این حیث که سازمان بین‌المللی کار کمک‌های تکنیکی و فنی برای برنامه‌ها و سیاست‌های اجتماعی فراهم می‌کند که در کشورهای مختلف با تأمین مالی از سوی بانک جهانی اجرا شده‌اند. هر دو سازمان در برخی پروژه‌ها یا طرح‌های بین‌المللی همکاری داشته‌اند که عبارتند از:

- برنامه کار بهتر: مشارکت موسسه مالی بین‌المللی (IFC) بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار^۲، ۲۰۰۶
- حفظ و نگهداری جاده‌ها به عنوان راهی برای شمولیت اجتماعی و کار شایسته در نپال^۳، ۲۰۱۹
- پروژه خدمات شهری و سکونت اجتماعی (MSSRP) اردن^۴، ۲۰۱۶
- ارزیابی کار کودک در نواحی رشد پنبه در بورکینافاسو^۵، ۲۰۱۶
- رصد و پایش کار کودک و کار اجباری در ازبکستان^۶، ۲۰۱۸
- آموزش کارآفرینی برای جنگجویان سابق در جمهوری دموکراتیک کنگو (DRC)^۷
- ارزیابی استفاده مولد از برق توسط شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) در زامبیا^۸

1. https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/--dgreports/exrel/documents/genericdocument/wcms_399641.pdf

2. Better Work Programme: An IFC-ILO partnership.

3. Road Maintenance as a vehicle for Social Inclusion and Decent Work in Nepal.

4. Municipal Services and Social Resilience Project (MSSRP)

5. Assessing Child Labor in Cotton Growing Areas in Burkina Faso

6. Monitoring Child Labor and Forced Labor in Uzbekistan.

7. Entrepreneurship Training for Ex-Combatants in the Democratic Republic of Congo (DRC)

8. Assessing the Productive use of Electricity by small and Medium Enterprises (SMEs) in Zambia

- ظرفیت‌سازی برای شرکت‌های کوچک و متوسط در لائوس^۱
- برخی راهکارهای سیاستی برای مقابله با بحران مالی و اقتصادی ۲۰۰۸، (۲۰۱۲)
- تقویت اشتغال و استانداردهای زندگی در کشورهای گروه ۲۰^۳، سازمان بین‌المللی کار، کشورهای OECD، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی
- تاب‌آوری، عدالت و فرصت: حمایت اجتماعی و استراتژی کار ۲۰۲۲-۲۰۱۲ بانک جهانی
- گزارش جهانی توسعه ۲۰۱۳ بانک جهانی^۴

و در نهایت، مهم‌ترین کار مشترک هر دو سازمان بیانیهٔ مشترکی است که در خصوص «حمایت اجتماعی همگانی» با هدف تحقق اهداف ۲۰۳۰ توسعهٔ پایدار (SDGs) سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ به همراه تجربیات برخی کشورها در زمینهٔ اجرای حمایت اجتماعی همگانی منتشر کردند. با توجه به اهمیت این بیانیه، بخش پایانی گزارش به آن اختصاص داده شده است.

1. Capacity Building for Small and Medium Enterprises in Lao PDR
2. Inventory of Policy Responses to the Financial and Economic Crisis
3. Boosting jobs and living standards in G20 countries
4. World Development Report 2013, World Bank Group

۴- اهمیت همکاری سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی در خصوص حمایت اجتماعی همگانی

در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۵، جهان شاهد یک چرخش سیاستی مهم از سوی گروه بانک جهانی بود. برای اولین بار، بانک جهانی به طور صریحی حمایت اجتماعی همگانی را به عنوان اولویت اولیه توسعه تأیید کرد. روسای دو نهاد بین‌المللی جهانی بیانیه مشترکی در ژنو انتشار دادند - جیم جونگ کیم^۱ رئیس بانک جهانی و گی رایدر^۲ مدیر کل سازمان بین‌المللی کار (ILO) و در آن بیانیه توجه رهبران جهان را به اهمیت حمایت اجتماعی همگانی و شیوه‌های تأمین مالی آن جلب کردند. اگرچه همگانی‌گرایی (همه‌شمول بودن) برای سازمان بین‌المللی کار سال‌های طولانی دغدغهٔ سیاستی مهمی بوده است، و بیانیهٔ فیلادلفیا در سال ۱۹۴۴ تعهد سازمان بین‌المللی کار را به خاطر نقش آن در دستیابی به «گسترش تأمین اجتماعی در راستای فراهم‌سازی درآمد پایه برای همهٔ افراد نیازمند حمایت اجتماعی و مراقبت درمانی جامع» به رسمیت شناخت، اما برای بانک جهانی - که بر «مدیریت ریسک اجتماعی»، حمایت درآمدی هدف‌گذاری‌شده و دسترسی به خدمات اجتماعی پایه برای فقیرترین گروه‌های جمعیتی تحت لوای «تورهای ایمنی» تأکید قوی داشت - این چرخش سیاستی به معنای واقعی اساسی به نظر می‌رسد (Zelenew, ۲۰۱۵).

در واقع، موضع بانک جهانی در این بیانیهٔ مشترک زمانی برجسته‌تر به نظر می‌رسد که با گزارش سال ۲۰۰۱ در خصوص حمایت اجتماعی مقایسه شود. در آن گزارش، بانک جهانی اولین بار به موضوع حمایت اجتماعی پرداخت. رویکرد این سازمان در این گزارش ناظر بر کاهش هزینه‌ها و هدف‌گذاری مزایا برای جبران اثرات منفی استراتژی‌های توسعه بود. مهم‌ترین کارپایهٔ مفهومی در این گزارش، «مدیریت ریسک اجتماعی» در برابر شوک‌های ناشی از استراتژی‌های توسعه در قالب «تورهای ایمنی» بود. چنین رویکردی حاکی از نوع

1. Jim Yong Kim

2. Guy Rider

مواجههٔ پسماندی^۱ به سیاست‌های رفاهی است که تنها زمانی مداخلات عمومی توجیه‌پذیر هستند که افراد آسیب‌پذیر در معرض ریسک‌ها قرار گیرند. این رویکرد، تا حد زیادی متفاوت از نگاه بیانیهٔ مشترک دو سازمان در سال ۲۰۱۶ است. حمایت اجتماعی در این بیانیه به عنوان بالاترین اولویت توسعه قرار می‌گیرد که تا این زمان به هیچ‌وجه برای بانک جهانی از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار نبود. اساساً، تا پیش از این، طراحی و اجرای نظام‌های حمایت اجتماعی بخشی از دل‌مشغولی‌های بانک جهانی و سازمان‌های نزدیک به آن نبود. اما در این بیانیه صراحتاً تأکید دارد که پیش‌شرط توسعه، شکل‌گیری نظام‌های حمایت اجتماعی است تا از این رهگذر اهدافی مانند ارتقای سرمایهٔ انسانی، مشارکت در ایجاد آرامش اجتماعی، کاهش نابرابری‌ها تحقق یابد. توجه به مشارکت در ایجاد آرامش اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی مفاهیم جدیدی در ادبیات بانک جهانی هستند که بی‌شک تحت تأثیر ارزش‌ها و نگرش‌های رویکرد رقیب خود به این نتایج رسیده است. همچنین، تأکید بر پوشش همگانی و دسترسی همهٔ افراد به نظام حمایت اجتماعی نقطهٔ عطف چرخش رویکردی بانک جهانی در این بیانیهٔ مشترک با سازمان بین‌المللی کار است؛ حرکت از رویکرد پسماندی و پسینی به رویکرد همگانی و عام به سیاست‌های حمایتی تا پدیدآورندهٔ انسجام اجتماعی و کاهش تنش‌های اجتماعی در جامعه شود.

این بیانیهٔ مشترک اطمینان می‌دهد که همهٔ افراد تحت پوشش حمایت اجتماعی همگانی قرار می‌گیرند و همهٔ افراد در هر زمان می‌توانند به ساز و کارهای حمایت اجتماعی دسترسی داشته باشند. ظهور این دستور کار جدید توسعه توسط اهداف توسعه پایدار (SDGs) تعریف شده است که فرصت بی‌نظیری برای هر دو سازمان فراهم می‌سازد تا حمایت اجتماعی همگانی را برای هر کس و در هر جا عملی سازند. پوشش حمایت اجتماعی همگانی هستهٔ اصلی تعهد سازمان بین‌المللی کار مبتنی بر استانداردهای آن است که شامل توصیه‌نامه کف حمایت اجتماعی شماره ۲۰۲ است. این توصیه‌نامه در سال ۲۰۱۲ توسط ۱۸۵ دولت پذیرفته

1. Residual

شد. در این بیانیه نیز تأکید شده است که پوشش همگانی و دسترسی به حمایت اجتماعی برای پایان فقر و تقویت رفاه جمعی محوری است. این اهداف دوگانه گروه بانک جهانی تا سال ۲۰۳۰ است.

سیاست‌های حمایت اجتماعی نیز در اهداف دست‌یابی به برابری جنسیتی و کاهش نابرابری درآمدی هستند. سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی، با توصیه حمایت اجتماعی همگانی برای همه کشورهای در همه سطوح درآمدی، در این بیانیه تأکید دارند که «اکنون می‌توان این اطمینان را داد که جامعه بین‌الملل دارای ابزارهای کافی برای تحقق بخشیدن این هدف است». هر دو سازمان بین‌المللی، با قرار دادن این اهداف در راستای افزایش تعداد کشورها برای فراهم‌سازی حمایت اجتماعی همگانی و حمایت از آن‌ها برای طراحی و اجرای نظام‌های حمایت اجتماعی همگانی و پایدار، بر انعطاف‌پذیری رویکرد خود تأکید دارند: «مسیرهای زیادی برای اجرای حمایت اجتماعی همگانی وجود دارد. هر کشور با توجه به شرایط خود می‌تواند نظام حمایت اجتماعی خود را پی‌ریزی کند». به عبارت دیگر، یک راه‌حل مناسب برای همه کشورها در زمینه حمایت اجتماعی در دنیای معاصر وجود ندارد.

به طور خلاصه، این بیانیه تأکید دارد که دست‌یابی به همگانی‌گرایی اجرای اهداف مشترک کاهش فقر و افزایش رفاه بانک جهانی و ارتقای کار شایسته و حمایت اجتماعی همگانی سازمان بین‌المللی کار تسهیل خواهد کرد. این بیانیه معتقد است که «در صورتی که هر دو سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی به اتفاق همدیگر از توسعه نظام‌های حمایت اجتماعی همگانی در کشورها یا تأکید بر تأمین مالی داخلی و پایدار حمایت کنند، هم‌افزایی‌ها و امتیازات زیادی به بار خواهد آورد».

۵- بیانیه سازمان بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار در خصوص حمایت اجتماعی همگانی

مأموریت مشترک برای حمایت اجتماعی همگانی^۱

در اوایل قرن بیست و یکم، ما به خود می‌بالیم که بر سر موضوع نوظهوری به توافق رسیده‌ایم و آن موضوع حمایت اجتماعی است که از نظر ما بالاترین اولویت توسعه به شمار می‌رود. نظام‌های حمایت اجتماعی که به درستی طراحی و اجرا می‌شوند می‌توانند، با قدرت، به شکل‌دهی کشورها [ملت‌سازی]، ارتقای سرمایه انسانی و بهره‌وری، ریشه‌کنی فقر، کاهش نابرابری‌ها و مشارکت در ایجاد آرامش اجتماعی یاری‌رسان باشند. این نظام‌ها بخش اساسی استراتژی‌های توسعه ملی^۲ برای دستیابی به رشد فراگیر و توسعه پایدار به همراه نتایج اجتماعی برابر هستند.

پوشش همگانی و دسترسی به [مکانیسم] حمایت اجتماعی برای پایان دادن به فقر و تقویت بهره‌وری و رفاه مشترک، اهداف دوگانه بانک جهانی تا سال ۲۰۳۰، از اهمیت زیادی برخوردارند. پوشش حمایت اجتماعی همگانی^۳ نیز هسته اصلی تعهد سازمان بین‌المللی کار را تشکیل می‌دهد، و متأثر از استانداردهای تأمین اجتماعی این سازمان است که شامل توصیه‌نامه شماره ۲۰۲ کف حمایت اجتماعی می‌شود. این توصیه‌نامه در سال ۲۰۱۲ توسط ۱۸۵ کشور پذیرفته شد. بسیاری از کشورها به توسعه و گسترش پوشش حمایت اجتماعی مبادرت کرده و پیشرفت‌های قابل توجهی گزارش می‌دهند.

از دهه ۲۰۰۰، «همگانی بودن»^۴ مجدداً در دستور کار توسعه قرار گرفت. آموزش اولین حوزه بود: آموزش پایه‌ای همگانی در سال ۲۰۰۰ هدف توسعه هزاره^۵ شد. سلامت و بهداشت در اولویت بعدی قرار گرفت: در دسامبر ۲۰۱۳، بانک جهانی و سازمان بهداشت جهانی متعهد

1. A Shared Mission for Universal Social Protection: Concept Note
2. National Development Strategies
3. Universal social protection
4. universality
5. Millennium Development Goals

به پوشش سلامت همگانی شدند. اکنون زمان حمایت اجتماعی همگانی فرا رسیده است. از نظر بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار، حمایت اجتماعی همگانی ناظر به مجموعه یکپارچه‌ای از سیاست‌های طراحی شده جهت تضمین تأمین درآمد و حمایت از همه افراد در چرخه زندگی با تأکید بر توجه ویژه به افراد فقیر و آسیب‌پذیر است. هرکس که به حمایت اجتماعی نیاز دارد باید قادر باشد به آن دسترسی داشته باشد.

حمایت اجتماعی همگانی شامل این موارد است: انتقالات نقدی مناسب و مکفی برای همه افراد نیازمند به ویژه کودکان؛ در قالب حمایت از افراد در حال اشتغالی که دارای کودک هستند، افراد کم‌توان، افراد آسیب‌دیده ناشی از کار یا افراد فاقد شغل؛ و مستمری برای همه افراد سالمند. این حمایت می‌تواند از طریق بیمه اجتماعی، مزایای اجتماعی تأمین مالی شده از مالیات، خدمات مساعدت اجتماعی، برنامه‌های اشتغال عمومی و سایر طرح‌های تضمین‌کننده تأمین درآمد پایه فراهم شود.

چرایی پشتیبانی از حمایت اجتماعی همگانی

شواهد علمی دقیق و درخور توجهی نشان می‌دهند که نظام‌های حمایت اجتماعی همگانی که به درستی طراحی و اجرا می‌شوند می‌توانند بنیانی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی پایدار، برای افراد، اجتماعات، ملت‌ها و جوامع باشند.

- حمایت اجتماعی همگانی از فقر پیشگیری و آن را کاهش داده، شمولیت اجتماعی و منزلت گروه‌های آسیب‌پذیر را ارتقا می‌دهد؛
- حمایت اجتماعی همگانی به رشد اقتصادی کمک می‌کند: رشد درآمدها باعث افزایش مصرف، پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری در سطح خانوار شده، و نیز تقاضای داخلی را در سطح کلان بالا می‌برد؛
- حمایت اجتماعی همگانی توسعه انسانی را ارتقا می‌دهد: انتقالات نقدی دسترسی به تغذیه و آموزش را تسهیل می‌کند که در نهایت منجر به سلامت بهتر، نرخ‌های بالاتر ثبت‌نام در مدرسه، نرخ‌های کاهش میزان تحصیل، و کاهش کار کودک می‌شود؛

- حمایت اجتماعی همگانی بهره‌وری و سطح اشتغال را از طریق افزایش سرمایه انسانی و دارایی‌های تولیدی افزایش می‌دهد؛
- حمایت اجتماعی همگانی از افراد و خانواده‌ها در برابر خسارات ناشی از شوک‌ها محافظت می‌کند؛ شوک‌هایی که ناشی از همه‌گیری‌ها، بلایای طبیعی یا رکودهای اقتصادی هستند؛
- حمایت اجتماعی همگانی موجب ثبات سیاسی و آرامش اجتماعی، کاهش نابرابری‌ها، تنش‌های اجتماعی و تنش‌های خشونت‌آمیز می‌شود؛ حمایت اجتماعی انسجام اجتماعی و مشارکت را تضمین می‌کند؛
- حمایت اجتماعی همگانی حقی انسانی است که هر کس به عنوان عضوی از جامعه باید از آن بهره‌مند شود، از جمله افرادی مانند کودکان، مادران، افراد کم‌توان، کارگران، افراد سالمند، مهاجران، افراد و اقلیت‌های بومی.

وضعیت کنونی پوشش حمایت اجتماعی همگانی

امروزه، حدود ۳۰ کشور با درآمد پایین و متوسط دارای برنامه‌های حمایت اجتماعی همگانی یا چیزی شبیه به آن دارند. حمایت‌های اجتماعی در بیش از ۱۰۰ کشور روند رو به پیشرفت داشته و به سرعت در حال گسترش مزایا به گروه‌های جمعیتی جدید هستند. حمایت اجتماعی همگانی عموماً در زمینه مستمری‌های سالمندی محقق می‌شود. حمایت اجتماعی همگانی برای کودکان نیز در برخی کشورها وجود دارد. علاوه بر آن، همگانی بودن حمایت در بسیاری از بیانیه‌های بین‌المللی مثل اتحادیهٔ آفریقا، اتحادیهٔ کشورهای جنوب شرق آسیا (ASEAN)، کمیسیون اروپا، گروه ۲۰، OECD و سازمان ملل متحد مورد تأیید قرار گرفته است.

راه‌های دسترسی به حمایت اجتماعی همگانی

راه‌های زیادی برای دسترسی به حمایت اجتماعی همگانی وجود دارد. سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی هر دو به طور کامل موارد ذیل را به رسمیت می‌شناسند:

- فرایندهای توسعه ملی در راستای همگانی‌گرایی (عام‌گرایی)
- دسته‌بندی کشورها براساس تحقق بخشی تدریجی و پیش‌رونده یا پوشش همگانی یکدفعه^۱
- تنوع (عدم‌تجانس) در طراحی و اجرای طرح‌های همگانی.

کشورها برای دستیابی به پوشش حمایت اجتماعی همگانی دارای گزینه‌های متنوعی هستند. به طور کلی، همگانی‌بودن از طریق ترکیب طرح‌های مشارکتی (مبتنی بر پرداخت حق بیمه) و غیرمشارکتی حاصل می‌شود. برای نمونه، جمهوری خلق چین از طریق بکارگیری بیمه اجتماعی به همراه مستمری‌های اجتماعی در نواحی روستایی به مستمری‌های شبه‌همگانی دست یافته است. سایر کشورها مانند بولیوی مزایای همگانی تأمین مالی شده از مالیات را برای همه مستمری‌های سالمندی فراهم می‌کنند. برخی کشورها گزینه اجرای تدریجی و پیش‌رونده و برخی دیگر از کشورها پوشش همگانی یکدفعه را برمی‌گزینند.

تأمین مالی حمایت اجتماعی

کشورها گزینه‌های زیادی برای تأمین مالی پوشش حمایت اجتماعی همگانی به کار گرفته‌اند، مانند:

- اختصاص مجدد هزینه‌های عمومی؛
 - افزایش درآمدهای مالیاتی، مانند درآمدهای حاصل از مالیات منابع طبیعی؛
 - استفاده از کاهش‌های بدهی‌ها یا بازپرداخت اصل و بهره بدهی^۲؛
 - گسترش پوشش تأمین اجتماعی و درآمدهای ناشی از پرداخت حق بیمه‌ها.
- طیف وسیعی از برنامه‌های حمایت اجتماعی همگانی از طریق ظرفیت مشارکتی [مبتنی بر پرداخت حق بیمه] گروه‌های مختلف نیاز به پایداری و حفظ عدالت و انصاف دارند. اجرای بهتر تعهدات مالیاتی و مشارکت [مبتنی بر پرداخت حق بیمه]، درآمدهای گسترده‌تر و روزافزونی تضمین می‌کند که می‌تواند پوشش حمایت اجتماعی همگانی را تسهیل کند.

1. immediate

2. debt servicing

وصول درآمدهای تأمین اجتماعی می‌تواند منجر به گردآوری بالاتر مالیات به ویژه در کشورهای دارای هرم جمعیتی جوان شود. درآمدهای ناشی از مالیات بالاتر به نوبه خود می‌تواند موجب ارتقای هرچه بیشتر برنامه‌های قانونی^۱ شوند. دولت‌ها برای مشارکت افراد فقیر و کم‌توان باید منابع پایدار مالی دست و پا کند.

چشم‌انداز: برنامه‌های حمایت اجتماعی همگانی که همه را تحت پوشش قرار می‌دهند

بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار دارای چشم‌اندازی مشترک هستند که براساس آن همه افراد نیازمند حمایت اجتماعی می‌توانند در هر زمان به آن دسترسی داشته باشند. براساس این چشم‌انداز، هر دو نهاد اذعان دارند که حمایت اجتماعی همگانی هدفی است که ما درصدد کمک به کشورها برای اجرای^۲ آن هستیم. دستیابی به همگانی بودن [حمایت اجتماعی] موجب تسهیل اجرای اهداف کاهش فقر و افزایش رفاه مشترک بانک جهانی و تعهد سازمان بین‌المللی کار به ارتقای کار شایسته و حمایت اجتماعی همگانی خواهد شد. این مأموریت مشترک قرار گرفتن صلح پایدار، رفاه و پیشرفت در دستور کار توسعه را تضمین خواهد کرد.

هدف: افزایش تعداد کشورهایی که حمایت اجتماعی همگانی را برمی‌گزینند

هدف مشترک بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار عبارت است از: «افزایش تعداد کشورهایی که می‌توانند حمایت اجتماعی همگانی فراهم سازند، و از کشورها برای طراحی و اجرای نظام‌های حمایت اجتماعی همگانی و پایدار حمایت کنند».

این هدف اجزاء مورد انتظار چشم‌انداز مشترک هر دو نهاد را به رسمیت می‌شناسد، و دستیابی به این چشم‌انداز به این معناست که تحقق بخشی حمایت اجتماعی یا تدریجی یا یکدفعه است، و در فرایند پیشبرد آن هیچ توقف یا عقب‌نشینی وجود نخواهد داشت.

براساس این هدف، اگر کشورها نظام‌های جامعی برای ایجاد حمایت اجتماعی همگانی در چرخه حیات توسعه و گسترش دهند (شواهد کافی نیز وجود دارد که این نظام‌های حمایت

1. statutory programs

2. deliver

اجتماعی همگانی کارآمد، مفید، قابل استطاعت و عادلانه هستند)، کشورهای بیشتری این نظام‌ها را به عنوان بخشی از استراتژی‌های توسعه ملی خود انتخاب می‌کنند. این هدف نیز می‌گوید اگر بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار متفقاً از توسعه نظام‌های حمایت اجتماعی همگانی در کشورها با تأکید بر تأمین مالی پایدار داخلی [کشورها] حمایت کنند، هم‌افزایی‌ها و محسنات زیادی به بار خواهد آورد.

پوشش حمایت اجتماعی همگانی در دستور کار پس از ۲۰۱۵

در اوایل ۲۰۱۶، سازمان ملل متحد پیگیری دستور کار توسعه‌ای بلندپروازانه جدیدی را آغاز خواهد کرد: اهداف توسعه پایدار^۱. امروزه، جهان همچنان با فقر شایع و مداوم روبه‌روست، در عین حال که نابرابری جهانی روبه‌فزونی است. همان‌گونه که دولت‌های عضو اولویت‌ها را شناسایی و در نهایت طرح پسا ۲۰۱۵ را انتخاب می‌کنند، آن‌ها روند اقدامات توسعه‌ای بین‌المللی برای ۱۵ سال بعدی را تعیین می‌کنند. از این رو، اجرای این روند به نحو احسن اجتناب‌ناپذیر است.

حمایت اجتماعی، به ویژه، حمایت اجتماعی همگانی در [برنامه] اهداف توسعه پایدار انعکاس یافته است؛ اهداف توسعه پایدار شامل مجموعه‌ای از اهداف و آماج‌ها است که در نشست سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۵ برای انتخاب دستور کار نهایی توسط دولت‌های عضو پذیرفته شد. این سند بر نقش قوی حمایت اجتماعی در مبارزه با فقر و کاهش نابرابری‌ها تأکید دارد، و نیازمند رویکردهای همگانی برای فراهم‌سازی حمایت اجتماعی همزمان با تشدید تلاش‌ها برای افراد فقیر و آسیب‌پذیر است. نظام‌های حمایت اجتماعی، شامل کف حمایت‌های اجتماعی، در تنظیم سند اهداف توسعه پایدار نقش برجسته‌ای دارند:

هدف ۱: پایان دادن به همه اشکال فقر در سراسر جهان

۱.۳ اجرای نظام‌های حمایت اجتماعی مناسب در سطح ملی و اعمال آن برای همه، از جمله کف حمایت‌ها، و دستیابی به پوشش کامل افراد فقیر و آسیب‌پذیر تا سال ۲۰۳۰.

هدف سیاست‌های حمایت اجتماعی در هر جای جهان دستیابی به برابری جنسیتی و کاهش نابرابری درآمدی در بین و درون کشورهاست. چشم‌انداز مشترک بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار موجب تقویت اهداف همگانی این دستور کار شده به نحوی که برای همه کشورهای، سوای سطح درآمدی آن‌ها، قابل اجرا باشد.

تأمین مالی سومین کنفرانس توسعه برگزار شده در آدیس آبابا در جولای ۲۰۱۵ تعهدات معنی‌داری برای نظام‌های حمایت اجتماعی مناسب در سطح ملی از جمله کف حمایت‌ها به بار می‌آورد، و تا سال ۲۰۳۰ به پوشش پایه‌ای از افراد فقیر و آسیب‌پذیر دست می‌یابد. ضروری است که رهبران جهان بر سر سازوکارهای تأمین مالی برای حمایت اجتماعی همگانی به توافق برسند.

اقدامات مبتنی بر زمان معین

بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار اعلام می‌دارند که آن‌ها برای دستیابی به این چشم‌انداز مشترک تا زمانی که اهداف توسعه پایدار محقق شوند در کنار هم خواهند بود. در بازه زمانی کوتاه‌مدت، سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی:

- [طوح] ابتکاری خود (۳۰ ژوئن) را در قالب بیانیه سطح بالایی برای توجه دادن رهبران جهان به اهمیت سیاست‌های حمایت اجتماعی همگانی و نیز سازوکارهای تأمین مالی اجرایی خواهند کرد. این بیانیه نیز چشم‌انداز هر دو سازمان را صورت‌بندی، و فعالیت‌های ملموس را برای پیشبرد حمایت اجتماعی همگانی و پیگیری پذیرش دستور کار توسعه پس از سال ۲۰۱۵ به تفصیل توضیح خواهد داد.
- مستندی از تجربیات کشورها در خصوص پوشش حمایت اجتماعی همگانی را تهیه خواهد کرد: چکیده مطالعات موردی در خصوص چگونگی دستیابی کشورهای به پوشش حمایت اجتماعی همگانی، و برداشت کردن نتایج مناسب و مربوط برای سایر کشورها.
- تأمین مالی حمایت اجتماعی همگانی: تحلیل دلالت‌های تأمین مالی حمایت اجتماعی همگانی به همراه فراهم‌سازی شواهدی در خصوص روش‌های دستیابی

- نوآورانه به برخی از موضوعات مهم جهت ایجاد اراده سیاسی مانند سرمایه‌گذاری و مزایای اجتماعی-اقتصادی فراهم‌سازی حمایت اجتماعی همگانی انجام خواهد شد.
- رصد و کنترل چارچوب حمایت اجتماعی همگانی برای دستور کار پس از سال ۲۰۱۵: به عنوان بخشی از همکاری پیوسته پیرامون آمارهای حمایت اجتماعی (نشست کارشناسان برای اکتبر ۲۰۱۵ برنامه‌ریزی شد).
 - کنفرانس جهانی در خصوص حمایت اجتماعی برای رشد همه‌شمول و پایدار: اتفاق عمومی سطح بالا (۲۰۱۶).

در میان‌مدت (۱ تا ۱۵ سال)، بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار از منابع فردی و جمعی بهره خواهند برد و برای حمایت از کشورهایی که به سوی پوشش همگانی حمایت اجتماعی گام برمی‌دارند تأثیرگذار خواهند بود. این شامل حمایت مشترک از تلاش کشورها برای هماهنگ کردن سیاست‌های حمایت اجتماعی، برنامه‌ها و نظام‌های اجرایی، گسترش گشایش مالی برای حمایت اجتماعی همگانی، توجه به تنگناها و قرار دادن حمایت اجتماعی همگانی در استراتژی‌های توسعه ملی خواهد بود.

منابع

- Samson M and Taylor N (2015). Supporting social protection systems. Concept Paper N° 4. Brussels: Directorate-General for International Cooperation and Development, European Commission.
- ec.europa.eu/europeaid/sites/devco/files/supporting-social-protection-systems-20151125_en.pdf.
- Zelenew, S (2015), Universal Social Protection: The World Bank Group and ILO join forces in launching the Universal Protection Initiative, International Social Work: Sage Journal. Vol. 58 (6) 840-843.
- Mkandawire T (2005). Targeting and universalism in poverty reduction. Social Policy and Development Programme Paper 23. Geneva: United Nations Research Institute for Social Development. <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.579.9254&rep=rep1&type=pdf>
- https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/--dgreports/exrel/documents/genericdocument/wcms_399641.pdf



تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، کوچه محوی، پلاک ۴، واحد ۱۰۱

تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۰۳۴۶۵	دورنگار: ۰۲۱-۲۲۷۰۲۹۰۳
info@saba-psi.ir	www.saba-psi.ir